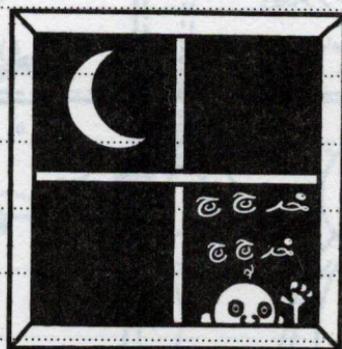


گفتاری برفی



نویسنده: جف کینی

مترجم: سپیده خلیلی



نوامبر

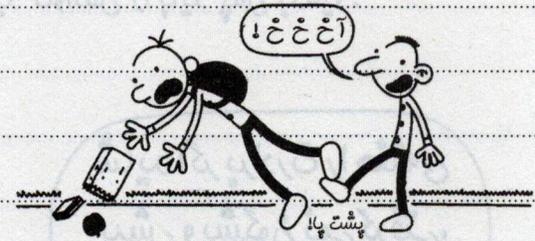
شنبه

بیشتر مردم چشم انتظار تعطیلات هستند، اما فاصله‌ی بین جشن شکرگزاری و کریسمس خیلی مرا عصبی می‌کند. اگر در یازده ماه اول سال اشتباهی ارتان سر بزنند مهم نیست، اما اگر در فصل تعطیلات کار غلطی بکنید تاوانش را باید پس بدهید.

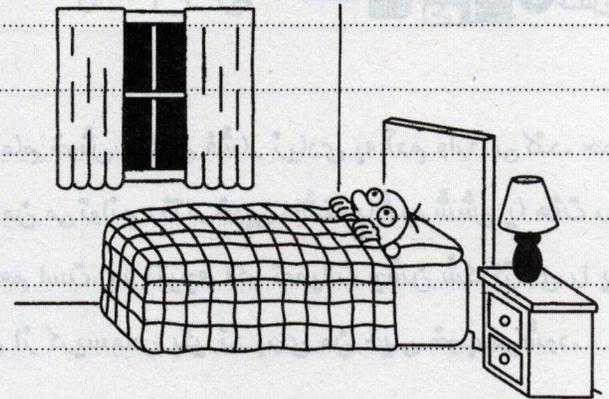


یک ماه تمام خوش رفتاری فشار زیادی به آدم وارد می‌کند. حداکثر مدتی که من می‌توانم رفتار خوبی داشته باشم، شش یا هفت روز پشت سر هم است. در نتیجه، اگر تعطیلات جشن شکرگزاری را یک هفته قبل از کریسمس بگیرند برای من خیلی خوب می‌شود.

بچه‌هایی که خانواده‌هایشان کریسمس را جشن نمی‌گیرند، خیلی خوش‌شانس هستند، چون هیچ وقت به خاطر رفتار بدی که ازشان در این ایام سر می‌زند، تحت فشار قرار نمی‌گیرند. خود من چندتا دوست این جور می‌دارم که فکر می‌کنم به همین دلیل در این اوقات پدرقتاری می‌کنند.



چیزی که خیلی مرا عصبی می‌کند مسئله‌ی پاپائونل است. این که او می‌تواند آدم را وقتی خواب است ببیند و می‌داند هم که کی بیدار می‌شوی، خیلی چندش‌آور است. در نتیجه، من اخیراً با لباس گرم کن می‌خوابم چون اصلاً دوست ندارم پاپائونل مرا با لباس زیر ببیند.



البته من هنوز قانع نشده‌ام که پاپائونل وقت این را داشته باشد که بیست و چهار ساعت شما را بپایند. به نظرم او جداکنر می‌تواند هر چه را یکی دوبار در سال، آن هم فقط چند ثانیه، زیر نظر بگیرد و ازشانس من، این اتفاق در شرم‌آورترین زمان‌ها می‌افتد.



اگر پاپائونل واقعاً همه‌ی کارهای آدم را می‌بیند، پس من حتماً توی دردمس می‌افتم. پس وقتی پرایش نامه می‌نویسم اصلاً به او نمی‌گویم که برای کریسمس از او چه می‌خواهم. کاری می‌کنم که از نامه‌هایم برداشت خیلی خوبی در مورد من داشته باشد.

پاپائونل عزیز،
من به گریه‌ی خانم تیلور سیپ پرت
نکردم، متأسفانه اما از دور این‌طور به نظر
می‌رسید.
ارادتمند
گرگ هفلی